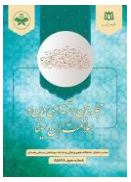
AIJRH
Avicenna Interdisciplinary Journal of Religion and Health
Avicenna Interdisciplinary J Relig Health, 2022; 1(1): 10-17.
https://aijrh.umsha.ac.ir



Review Article

Abu Abdullah Tabari Nateli: Sage and physician from the land of Tabarestan

Seyyed Alireza Golshani [1,*], Hamidreza Esmaili [2]

[1] Department of Persian Medicine, School of Persian Medicine, Yazd Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Ardakan, Iran.
[2] Army Public Health of the Islamic Republic of Iran, Gorgan, Iran.

Article history:
Received: 4 April 2021
Revised: 20 June 2021
Accepted: 29 August 2021
ePublished: 30 March 2022

***Corresponding author:**
Seyyed Alireza Golshani,
Department of Persian Medicine,
School of Persian Medicine,
Yazd Shahid Sadoughi
University of Medical Sciences,
Ardakan, Iran.
Email: golshani_22@yahoo.com

Abstract

Aims: The land of Tabarestan (present-day Mazandaran) in northern Iran is one of the knowledge-raising regions of the world. Abu Abdullah Tabari Nateli, one of the Iranian mathematicians, logicians, sages and botanists around the fourth century AH, who was one of the masters of Avicenna (980-1037 AD) in Bukhara, the purpose of the outhors of this article is a fundamental review of Abu Abdullah Tabari Nateli`s life and biography, Although, unfortunately, we don`t have any information about the year of his birth and the time and place of his death in historical sources.
Method: The method used in this research is the method of library and internet resources have been compiled is a historiographical view and method that it is common in the humanities, to critique and review of the sage Abu Abdullah Tabari Nateli`s life and effects.
Findings: In This research, by examination the geography of natel in mazandaran, his effects, writings, thoughts and Abu Abdullah Tabari Nateli`s idea, we tried to clarify the scientific life of this precious sage and wise master Avicenna.
Conclusion: In this research, despite the numerous writings of this anonymous scientist, less attention has been paid to the historians of the history of science that in research, in addition to describing his life and religious beliefs and in traducing his effects and writings, we also paid some attention, and cause Hakim`s familiary with the topics of pharmacology, botany, philosophy, logic, mathematics can be concluded was proficient in all sciences and knowledge of his time this skill and innovation is reflected in many medical, pharmacological and philosophical effects of scholars, scientists and physicians of his time and even after time.

Keywords: Abu Abdullah Tabari Nateli; Botany; Eslah al-hashaish; Tabarestan (current Mazandaran)

Please cite this article as follows: Golshani SA, Esmaili F. Abu Abdullah Tabari Nateli: Sage and physician from the land of Tabarestan. *Avicenna Interdisciplinary J Relig Health,* 2022; 1(1):10-17.

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

Copyright © 2022 The Author(s); Published by Hamadan University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

AIJRH
مجله بین رشته‌ای دین و سلامت ابن سینا
دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۰، صفحات: ۱۰-۱۷
https://aijrh.umsha.ac.ir
UMSHA Press



مقاله مروری

ابوعبدالله طبری ناتلی؛ حکیم و طبیبی از سرزمین طبرستان

سیدعلیرضا گلشنی[۱،*]، حمیدرضا اسماعیلی[۲]

[۱] گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، اردکان، ایران.
[۲] بهداری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰
تاریخ ویرایش مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷
تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

* **نویسنده مسئول:** سیدعلیرضا گلشنی؛ گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، اردکان، ایران.
ایمیل: golshani_22@yahoo.com

چکیده

اهداف: سرزمین طبرستان (مازندران فعلی) در شمال ایران یکی از مناطق علم‌خیز و دانش‌پرور جهان علم است. ابوعبدالله طبری ناتلی یکی از ریاضیدانان و منطق‌دانان، حکیم و گیاه‌شناسان ایرانی حدود سده چهارم هجری که از استادان ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) در بخارا بوده است. هدف نگارندگان این مقاله بازبینی اساسی زندگی و بیوگرافی ابوعبدالله ناتلی است، با وجودی که متاسفانه از سال تولد و زمان و مکان درگذشتش در منابع تاریخی هیچ اطلاعی نداریم.

روش‌کار: روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش تاریخی (Historical Research) که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تدوین شده است، نگاهی تاریخ نگارانه و شیوه‌ای است که در علوم انسانی مرسوم است، به نقد و بررسی زندگانی و آثار حکیم ابوعبدالله طبری ناتلی می‌پردازیم.

یافته‌ها: در این پژوهش با بررسی جغرافیای ناتل در مازندران، آثار و تالیفات و افکار و اندیشه‌های ابوعبدالله ناتلی تا اندازه‌ای در روشن‌کردن زندگی علمی این حکیم گرانمایه و استاد فرزانه ابن سینا تلاش نمودیم.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش از این دانشمند گمنام با وجود تالیفات متعدد کمتر مورد توجه مورخان تاریخ علم قرار گرفته است که در این پژوهش علاوه بر شرح زندگانی و اعتقادات مذهبی و معرفی آثار و تالیفاتش نیز تا اندازه‌ای پرداختیم و به‌علت آشنایی حکیم با مباحث داروشناسی، گیاه‌شناسی، فلسفه، منطق و ریاضیات می‌توان نتیجه گرفت که وی در زمینه کلیه علوم و دانش‌های دوران خویش دارای تبحر بوده که این مهارت و نوآوری‌هایش در بسیاری از آثار طبی، داروشناسی و فلسفی علماء، دانشمندان و پزشکان همعصر خویش و حتی بعد از خود انعکاس یافته است.

واژگان کلیدی: ابوعبدالله طبری ناتلی، گیاه‌شناسی، اصلاح‌الحشائش، طبرستان (مازندران فعلی)

استناد: گلشنی، سیدعلیرضا؛ اسماعیلی، حمیدرضا. ابوعبدالله طبری ناتلی؛ حکیم و طبیبی از سرزمین طبرستان. مجله بین رشته‌ای دین و سلامت ابن‌سینا، زمستان ۱۴۰۰؛۱(۱):۱۰-۱۷.

مقدمه

در میان دانشمندان بزرگ ایرانی از عهد قدیم تاکنون افراد بسیاری بودند که تاریخ جهان دانش را متحول نمودند. سرزمین طبرستان (مازندران فعلی) در شمال ایران به‌عنوان یکی از مناطق علم‌خیز و دانش‌پرور جهان علم محسوب می‌شود[۱]. یکی از دانشمندان این سرزمین، حکیم *ابوعبدالله طبری* ناتلی که متاسفانه از سال تولد و زمان و مکان درگذشتش در هیچ کتاب مرجعی یادی نشده است، اما برای انجام این مطالعه و فواید آن نگاه بر جغرافیای تاریخی، تاریخ محلی، کتاب‌شناسی *ابوعبدالله ناتلی* و سخنان فلسفی و دینی وی در آثار دیگر نویسندگان می‌توان در این پژوهش یاری‌رسان باشد. از قرائن پیداست که در اواسط نیمه اول سده چهارم هجری در شهر ناتل یا روستاهای اطراف آن متولد شده و مدتی هم در ناحیه طبرستان (مازندران کنونی) زیسته و علوم مقدماتی را در زادگاهش فراگرفته است[۲].

از روی آثار *ابوعبدالله طبری ناتلی* می‌توان دریافت که برای علم‌آموزی به مناطق مختلفی چون خراسان، خوارزم، ماوراءالنهر و بین‌النهرین سفر نموده است[۳, ۴]. اما مهم‌ترین مطلبی که درباره زندگی *ابوعبدالله ناتلی* در دست است، همانا آموزش مقدماتی ریاضی و منطق به *ابن سینا* در بخارا به خواهش *عبدالله پدر ابن سینا* بوده است که تقریباً اکثر کتب تاریخی از روی رساله زندگینامه *ابن سینا* آن را نقل نموده‌اند. این مطلب عیناً از رساله

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

شرح‌حال *ابن سینا* اثر *ابوعبید جوزجانی* (۳۶۰-۴۳۸ ق) نقل می‌شود:

«...بعد از آن *ابوعبدالله ناتلی* به بخارا آمد و ادعای حکمت و فلسفه می‌کرد و پدرم او را در پهلوی خانه خود منزل داد برای آنکه من از او تعلیم گیرم. پیش از ورود ناتلی، من نزد اسماعیل زاهد به تحصیل فقه مشغول بودم... نخست نزد ناتلی شروع به خواندن ایساغوجی کردم و چون به تعریف جنس رسید که چند سخن بر او ایراد نمودم که بسیار تعجب کرد و به پدرم گفت: "البته او را به غیر تحصیل علم مشغول مساز" و هر مساله‌ای که ناتلی می‌گفت می‌فهمیدم و بهتر از او آن را تصور می‌کردم تا آنکه ظواهر منطق را بر او خواندم و از دقائق آن، او را چیزی نبود. پس، از پیش خود به مطالعه کتب مشغول شدم و علم منطق را محکم گردانیدم و شروع به خواندن کتاب اصول اقلیدس کردم و پنج/شش شکل را بر او خواندم و بقیه کتاب را از پیش خود حل نمودم. بعد از آن، مطالعه خود را به کتاب مجسطی منتقل نمودم و چون از مطالعه مقدمات آن فارغ شدم و به اشکال هندسی رسیدم، ناتلی به من گفت که خود مطالعه کن و آنچه فهمیدی بر من عرضه نما تا خطا و صواب آن را به تو بگویم و او را قوت اقامت بر حل آن کتاب نبود و اشکال بسیار بود که تا آن وقت نفهمیده بود و من به او می‌فهماندم. پس ناتلی از بخارا به گرگانج رفت و من مشغول به تحصیل کتب طبیعی و الهی شدم و ابواب علم بر من مفتوح شد....»[۴]. البته باید متذکر شد که درمانده‌شدن ناتلی و بیرون‌نیامدن از عهده جواب‌دادن به سئوالات ابن سینا دلیل برعدم تبحر ناتلی در علوم عقلی و ریاضی نبوده بلکه علت آن هوش سرشار و ذکاوت و تیزهوشی بالای *ابن سینا* بوده است.

سعی نگارندگان این مقاله، بازبینی اساسی زندگی و بیوگرافی حکیم *ابوعبدالله ناتلی* بود.

روش‌کار

روش به‌کارگرفته‌شده این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و پژوهشی تاریخی (Historical Research) است و نگاهی تاریخ‌نگارانه و شیوه‌ای است که در علوم انسانی مرسوم است، به نقد و بررسی آثار حکیم *ابوعبدالله طبری ناتلی* پرداختیم. در بررسی صورت‌گرفته از ژورنال‌های علمی، نرم‌افزارهای جامع طب نور و جغرافیای جهان اسلام، کتابخانه‌های دانشگاه شیراز و دانشگاه علوم پزشکی شیراز و کتابخانه دیجیتال علوم اسلامی و انسانی، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی موارد باارزشی مشاهده شد که می‌تواند سطح کمی و کیفی این مقاله را ارتقا بخشد. نسخ متعدد خطی، چاپ سنگی و همچنین نسخ تصحیح‌شده از آثار *ابوعبدالله طبری ناتلی* مشاهده شد که در بازگویی این تحقیق می‌تواند یاری‌رسان بسیار مناسبی باشد. در نهایت مراحل گردآوری و تدوین این تحقیق از آغاز تا خاتمه به ترتیب زیر است:

الف) بررسی و مطالعه دقیق مطالب باقی‌مانده از حکیم ناتلی در لابلای منابع دست اول تاریخی، تذکره‌ها، تحقیقات جدید و مقالات علمی، رجوع به منابع عربی و فارسی و در صورت لزوم ترجمه این منابع؛ ب) فیش‌برداری مطالب مربوط به موضوع تحقیق؛ ج) دسته‌بندی منظم فیش‌ها براساس فصل‌بندی‌های مقدماتی، برای استفاده مطلوب و بررسی هرچه بهتر اطلاعات؛ د) تدوین و نگارش مطالب.

نتایج

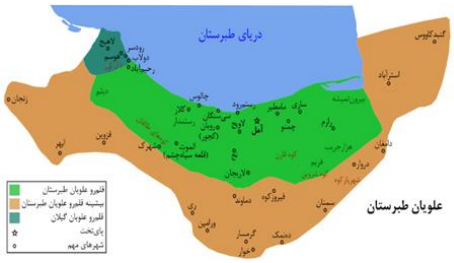
نام کامل *ابوعبدالله ناتلی* که در کتاب اصلاح‌الحشائش (De Materia Medica) *دیسقوریدس* (Discorides Pedanius (40-90 AD)) (نگارش ۳۸۰ هجری)، پزشک و داروساز و گیاه‌شناس یونانی قرن اول میلادی نسخه کتابخانه لیدن هلند به شماره ۲۸۹ که ۹۵ سال بعد از نگارش آن توسط خودش و از روی نسخه اصل *ناتلی* کتابت شده، آمده است: «*حسین‌بن ابراهیم‌بن حسین‌بن خُرشید طبری ناتلی*» است[۳].

ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۲ هجری) هم که از دانشمندان بزرگ هم‌عصر ناتلی بوده و در کتاب آثارالباقیه عن‌القرون‌الخالیه که در سال ۳۹۰ یا ۳۹۱ هجری در گرگان به نام *امیر قابوس‌بن وشمگیر* حاکم آل زیار نگاشته، در ذکر مقاله کمیت طول عمر، ایشان را *ابوعبدالله حسین‌بن ابراهیم طبری ناتلی* معرفی نموده است[۵] و در تالیف دیگر از *ابوریحان بیرونی* در کتاب الصیدنة فی‌الطب (داروشناسی در پزشکی) که از کتاب اصلاح‌الحشائش استفاده برده نام این حکیم را *الحسین ابن ابراهیم ابن الحسن ابن خورشید الناتلی* نام برده است[۶]. در رساله شرح حال *ابن سینا* اثر *ابوعبید جوزجانی* که شاگرد همیشه همراه *ابن سینا*، ایشان را *ابوعبدالله ناتلی* ذکر شده است[۴]. در برخی از کتب جدیدتر، نام ایشان را به اشتباه *ابراهیم‌بن حسین* یا به غلط چاپی *ابراهیم‌بن حسن* نگاشته‌اند؛ مانند *ذبیح‌الله صفا* در جلد اول کتاب تاریخ ادبیات در ایران یا *محمدتقی سرمدی* و *ناصر پویان* در کتاب *ابن سینا* محور آثار پزشکی جهان که ایشان را *ابوعبدالله ابراهیم‌بن حسین الناتلی* نوشته‌اند[۷, ۸]. دکتر *احمد عیسی بک* در معجم‌الاطباء این دانشمند را الحکیم *علی الناتلی النیسابوری* آورده که در انتهای مطلب، مرجع خود را کتاب تاریخ‌الحکماء قفطی ذکر کرده است؛ ولی با رجوع به این کتاب فقط به نام *ابوعبدالله الناتلی* برخوردیم. شاید نسخه‌ای از کتاب قفطی که ایشان از آن بهره برده‌اند کتابت مغلوطی داشته است؛ چون در برخی نسخ این کتاب به اشتباه *عبدالله بابکی* هم ذکر شده است. ولی به نظر، *عیسی بک* شخصیت دیگری را با *ابوعبدالله ناتلی* اشتباه گرفته است[۹, ۱۰].

کنیه‌اش را در تمام کتب و مراجع، *ابوعبدالله* نوشته‌اند و به‌طور کلی معروف به *ابوعبدالله ناتلی* بوده است. زادگاه و محل رویش ایشان، شهر ناتل یا ناتله از شهرهای آباد طبرستان (مازندران فعلی) بوده که در حال حاضر روستایی است در بخش چمستان شهرستان نور از توابع آمل که بقعه *ابوعبدالله ناتلی* هم

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

در حال حاضر در این روستا وجود دارد. ناتل در حدود سده ۳ تا ۹ هجری شهری آباد در این ناحیه بوده است. اهمیتش گاهی به حدی بوده که در سده‌های ۷ و ۸ هجری گاهاً ولیعهدنشین حکومت رستمداران بوده است (شکل‌های ۱ و ۲)[۱۱].



شکل ۱: حدود جغرافیایی طبرستان در قرن چهارم



شکل ۲: حدود جغرافیایی ناتل

باستان‌شناسان با حفاری در این منطقه معتقدند که با وقوع سیلابی عظیم، این شهر به زیر ۳ تا ۴متر رسوبات مدفون شده است. در طی این تحقیقات ارگی از دل زمین کشف شد که قدمت ۲۵۰۰ساله داشته که نشان از تاریخ و پیشینه تاریخی این شهر قدیمی دارد (شکل ۳)[۱۱].

از شواهد چنین برمی‌آید که ناتل نه فقط خاستگاه اجدادی *ابوعبدالله* بلکه محل رویش ایشان هم بوده و مدت‌ها در زادگاهش یا شهرهای دیگر طبرستان زیسته یا به تحصیل علم پرداخته است. اطلاعاتی از خاندان و خانواده ایشان در دست نیست و اینکه چه شغل و مقامی داشته‌اند و چگونه تلاش نموده‌اند تا *ابوعبدالله* را به این درجه از شهرت برسانند.



شکل ۳: حفاری باستان‌شناسان در ناتل

سیر زندگی علمی حکیم *ناتلی*:

از سیر زندگی علمی حکیم *ناتلی* اطلاعاتی اندکی وجود دارد. اما با بیان خصائل ناتلی به گفته *شهرزوری* در کتاب تاریخ‌الحکماء ارجاع می‌دهیم که نوشته است: «حکیماً عالِماً مُتخَلقاً به اخلاقٍ جَمیله» یعنی حکیمی بود به اخلاق جمیله و عالمی متصف به صفات حمیده[۱۲, ۱۳]. *احمد عیسی بک* در معجم‌الاطباء نوشته است: «کانَ حکیماً حُسن الدواء و البهجه عالماً بدَقائق علوم الحِکمه»[۹]. از شرح زندگی و سرگذشت *ابن سینا* این چنین استنباط می‌شود که *ناتلی* در بخارا آموزش *ابن سینا* را در رشته‌های منطق، هندسه، نجوم و فلسفه تا سن ۱۶ سالگی وی برعهده داشت، هرچند *ابن سینا* ایشان را در این علوم قوی ندانسته است[۱۴, ۱۵]. *ناتلی* اعتراف نمود که در درس‌هایی که به *ابن سینا* داده قوی و مسلط و قادر به جواب سئوالاتش نبوده و او خود به مطالعه پرداخته، دانش‌هایی چون منطق و حکمت و ریاضی و هندسه را به نحو عالی فهمیده است و *ناتلی* چون *ابن سینا* را محصل و طلبه‌ای بسیار بااستعداد و باهوش و باحافظه و باپشتکار دید، به پدرش توصیه و تأکید نمود که او را به آموختن دانش‌ها وادارد، نه مشاغل و مکاسب دیگر و بعد از چندی *ناتلی*، بخارا و *ابن سینا* را ترک گفت و به گرگانج خوارزم رفت[۷, ۱۶].

ناتلی یکی از معدود دانشمندان سرزمین‌های شرقی اسلام است که به بررسی کتاب‌الحشائش دیسقوریدس پرداخته و اصلاحیه‌ای بر ترجمه عربی آن نگاشته است[۱۴]. این اقدام ایشان، نشان از آگاهی بالای او در علم گیاه‌شناسی دارد ولی از طبابت و آگاهی ایشان به علم پزشکی اطلاعی در دست نیست. برخی از مراجع استادش در علم طب را *ابوالفرج عبدالله‌بن الطیب الجاثَلیق بغدادی* (۳۶۹-۴۳۵ ق) فیلسوف نصرانی و کاتب اسقف بزرگ بغداد و طبیب بیمارستان عضدی که شروح زیادی بر کتب *ارسطو*، *بقراط* و *جالینوس* نگاشته و با *ابن سینا* بحث‌هایی داشته که *بوعلی* رسالاتی بر رد نظرات ایشان نگاشته است، می‌دانند[۱۷]. این مراجع همگی به کتاب عیون‌الانباء استناد نموده‌اند ولی با رجوع به این کتاب و مطالعه آن، این نکته دیده نشد و فقط *ناتلی* را در ردیف هم‌عصران *ابوالفرج* آورده است، نه شاگرد ایشان و همچنین در این کتاب، *ابوالفرج* را معاصر *ابن سینا* آورده است[۱۸]. در ضمن، در سال ۳۸۰ قمری که *ناتلی* اصلاحی بر کتاب الحشائش نگاشته و به علوم طبیعی آگاهی کامل داشته، *ابوالفرج‌بن الطیب* ۱۰ یا ۱۱ ساله بوده است؛ پس نمی‌توانسته استاد *ناتلی* بوده باشد. اشاره به این نکته هم قابل توجه است که گویا *ناتلی* در خوشنویسی و نگارگری هم دستی داشته است؛ زیرا در بخشی از دیباچه کتاب اصلاح‌الحشائش بیان نموده است که خط و تصویرگری نسخه به دست او انجام شده است: «و هذه النسخه کلها بِخَطی و شکل یَدی»[۳]. البته چون اصل کتاب الحشائش دیسکوریدس، مصور بوده است، پس نمی‌توان ابداع تصاویر متن را به *ناتلی* نسبت داد، فقط خط و تصویرگری آن برای

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

اهدا به *امیر سیمجوری* برعهده او بوده است. در ضمن، در کتاب تتمه صوان الحکمه، *ظهیرالدین بیهقی* دو رساله به *ناتلی* منسوب کرده است که یکی در علم الهیات و دیگری در علم کیمیا بوده است. پس در کل، *ابوعبدالله ناتلی* را می‌توان حکیم، ریاضی‌دان، منطق‌دان، گیاه‌شناس، خوشنویس و نگارگر دانست.

آثار *ابوعبدالله ناتلی*:

از آثار *ناتلی* در حال حاضر یک نگاشته به ما رسیده است. چند رساله هم در کتب تاریخی به ایشان منسوب شده که متأسفانه در دسترس نیست. معروف‌ترین اثر به‌جامانده از *ناتلی*، اصلاح ترجمه کتاب الحشائش فی الهیولی فی العلاج الطبی اثر طبیب و گیاه‌شناس یونانی سده یکم میلادی دیسکوریدس *(دیسقوریدس)* بوده که توسط *حنین‌بن اسحاق* و شاگردش *اصطفن‌بن بسیل* در سده سوم هجری از یونانی به عربی برگردانده شده است. این کتاب به اصلاح‌الحشائش معروف شده و در ناحیه خراسان قدیم و سال ۳۸۰ق/۹۹۰م به اتمام رسیده و به *امیر ابوعلی سیمجوری* تقدیم شده است. چهار نسخه از این کتاب تا به حال در دنیا شناسایی شده است:

۱- نسخه شماره ۲۸۹ کتابخانه دانشگاه لیدن هلند که در سال ۴۷۵ق در ۲۲۸برگ و به خط نسخ قدیم از روی نسخه اصل آن کتابت شده است. نسخه‌ایست کامل و دارای ۷ مقاله و کم‌غلط و بسیار ارزشمند؛

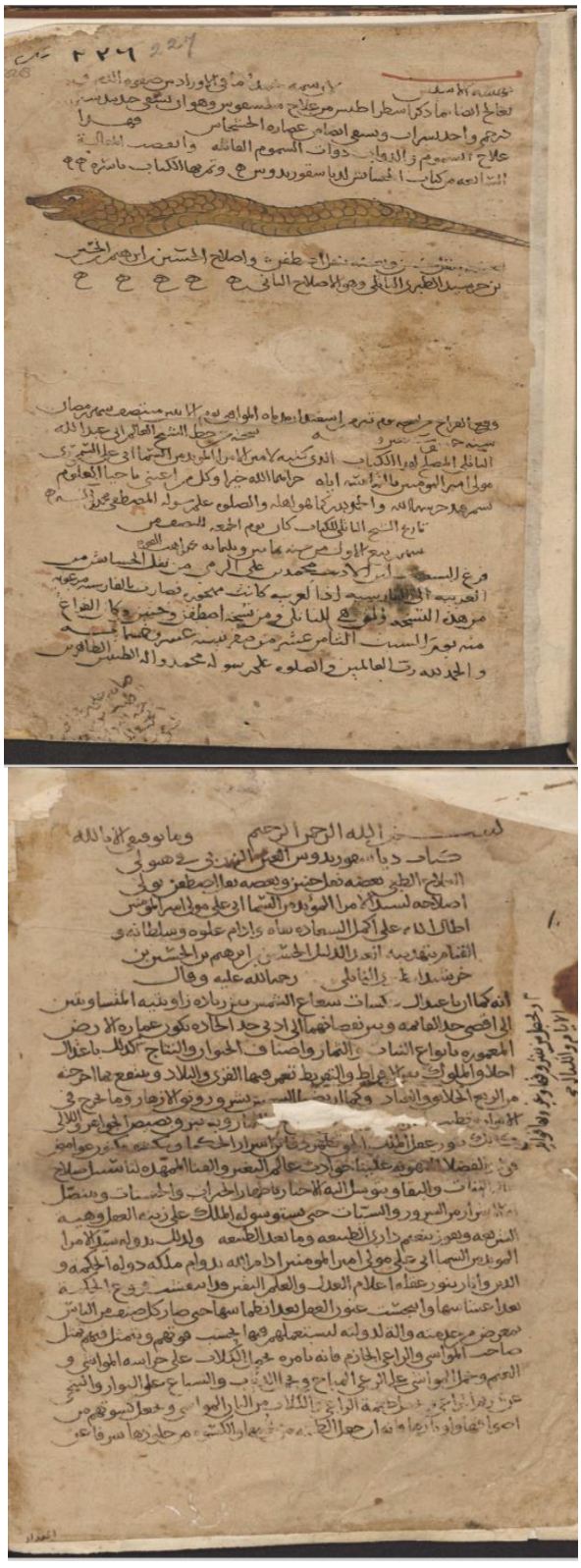
۲- نسخه کتابخانه بانکی پور (خدابخش) هند به شماره ۹۱/۲۱۸۹ کتابت سده پنجم هجری دارای ۳ مقاله؛

۳- نسخه کتابخانه احمد ثالث ترکیه به شماره ۲۱۲۷ کتابت ۶۲۶ق دارای ۵ مقاله؛

۴- نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره ۳۳۶۶شرقی کتابت ۷۳۵ق دارای ۲ مقاله ابتدایی[۲].

در زیر انجامه نسخه لیدن یادداشتی دیده می‌شود که نشان می‌دهد شخصی بنام *محمدبن علی الرمی* در سال ۵۱۰ قمری اقدام به ترجمه فارسی این کتاب کرده است، ولی اثری از این ترجمه تا به حال یافت نشده است. ایشان نوشته که به‌دلیل مهجوربودن زبان عربی در آن ناحیه، اقدام به ترجمه فارسی آن کرده است[۳] (شکل ۴).

از نکات جالب کتاب اصلاح حشایش با وجودی که به زبان عربی نگارش شده و از نگاه تیزبین زبان‌شناسان دور نمانده، ناتلی نام گویش طبری برخی از اسامی یونانی ادویه و گیاهان را ذکر کرده است که عبارتند از: بل، بنج ولک، تمش، جماز، خربون، دارجماز، داروا‌ش، ساذه ولو ملیک، سُرک، شنبلی، فلفُلک، کر تمش، کلاج پای، لرزم، لَرک و طُوسه، مار زُوان، مار مَرجوا، مسک، وُشواذِن، ولوملیک، ویرَنام. *ناتلی* در مورد نام طبری برخی داروها این چنین اشاره می‌کند: «قورونوفوس و هو رجل الغراب. هو نبات منبسط علی الارض... و اهل طبرستان یسمونه کلاج بای...اقسوس و هو الدبق. و اهل طبرستان یسمونه داروا‌ش... باطوس و هو العلق. و اهل طبرستان یسمونه تَمِش...»[۲].



شکل ۴: صفحه اول و پایانی نسخه خطی کتابخانه لیدن هلند

۲- مقاله فی کمیه عمر الطبیعی: در آثارالباقیه *ابوریحان بیرونی* آمده است: «از *ابوعبدالله حسین‌بن ابراهیم طبری ناتلی* مقاله‌ای دیدم که کمیت عمر طبیعی را معلوم کرده بود و منتهای

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

عمر طبیعی را ۱۴۰ سال خورشیدی دانسته بود و بیشتر از این مقدار را روا نمی‌دانست. ولی کسی که به‌طور اطلاق می‌گوید نمی‌شود، باید دلیلی بیاورد که تولید اطمینان کند ولی *ناتلی* برهانی بر این قول نیاورده جز اینکه گفته است: آدمی را سه کمال است. یکی آنست که بحدی رسد که بتواند تولیدمثل کند و آن وقتی است که دو هفت سال از عمر او بگذرد. کمال دوم آنست که نفس فکری و ناطقه آن تام و تمام (کامل) شود و عقلش از قوه به فعل آید و این کار در آغاز ۴۲ سال عمر او خواهد بود و کمال سوم آنست که اگر به فرمانروایی رسید بتواند همه مردم را اداره کند یا اگر خانواده تشکیل داد بتواند خانواده را اداره نماید یا اگر تنها ماند بتواند خود را اداره نماید و روی هم رفته مجموع این کمالات ۱۴۰سال است. ندانستم که *ابوعبدالله ناتلی* این اعداد را به چه نسبت استخراج کرده با آنکه تناسبی نه در میان خود آنها و نه در تفاضل آنهاست و اگر همه ما مسلم بداریم که عدد کمالات انسان سه بیشتر نیست و آنچه را که او شمرده ما هم بشماریم و در آخر کار اگر از برهان نترسیم و بگوییم که روی هم رفته عمر انسان صد سال یا هزار سال یا دو هزار سال می‌شود، میان برهان ما و *ابوعبدالله فرقی* نخواهد بود...»[۵].

به احتمال زیاد، معلم *ابن سینا* و *الناتلی* یاد شده در *آثارالباقیه* یک شخص است؛ بررسی تطبیقی متن‌های تحریر *الناتلی*، ترجمه *اصطفن* و نقل در *صیدنه*، می‌توانست مساله اندازه وابستگی این متن‌ها را با یکدیگر روشن سازد، اما متأسفانه به دست‌نویس تحریر الناتلی دسترسی پیدا نکرده‌ایم[۶, ۷].

۳- رساله فی‌الوجود و شرح اسمُهُ: *ظهیرالدین بیهقی* در تتمه صوان الحکمه نوشته است که *ناتلی* رساله‌ای لطیف در وجود و شرح اسم آن نگاشته که این رساله دلالت دارد بر بلندی مقام و علو شأن او در علم الهیات[۱۹]. تا به حال نسخه‌ای از آن در فهارس کتابخانه‌ها گزارش نشده است.

۴- رساله فی علم‌الاکسیر: *ظهیرالدین بیهقی* در کتاب خود از این رساله *ناتلی* هم نام برده که در علم کیمیا است[۱۹]. به گفته *شهرزوری* در تاریخ الحکماء، فقط *ابن سینا* از این رساله *ناتلی* در کتاب المقتضیات السبعه خود نام برده است[۱۲]. نسخه‌ای هم از این کتاب در دسترس نیست.

مذهب ابوعبدالله ناتلی:

با کنار هم قراردادن برخی اطلاعات از زندگی ناتلی می‌توان به گرایش ایشان به مذهب اسماعیلیه شک کرد.

اولین مطلب، ارتباط *ناتلی* با *عبدالله* پدر *ابن سینا* در بخارا بوده که اسماعیلی مذهب و مبلغ این فرقه بوده و همچنین احترامی که برای *ناتلی* قائل بوده است و هم اینکه برای آموزش فرزندش حتی مسکن هم در اختیارش قرار داده، شاید ناشی از هم‌مذهب‌بودن یکدیگر باشد[۴].

مطلب دوم، منطقه جغرافیایی طبرستان در آن برهه تاریخی یکی از خواستگاه‌های مذهب اسماعیلی بوده است، چنانکه تبلیغات *ابوحاتم رازی*، داعی اسماعیلی (متوفی به سال ۳۲۲ه. ق.) در میان دیلمیان طبرستان، موجب این گرایش شد. دکتر *عبدالحسین زرین‌کوب* در علت این گرایش می‌نویسد: «ظاهراً بیشتر بهانه اظهار مخالفت با مسوده عباسی بوده است تا گرایش واقعی به مذهب»[۲۰]. به هر حال، سکه‌های به‌جای‌مانده از آنان در طبرستان فاقد نام خلیفه عباسی است و به‌جای آن عبارت «سیف آل محمد» آمده و اسامی امامان اسماعیلی نقش شده است[۲۱]. *مسعودی* که تألیف خود را در سال ۳۳۶هق. نگاشته است، خبر می‌دهد: «اکنون مذهب آن‌ها تباهی گرفته و عقایدشان دگرگون شده و بیشترشان ملحد شده‌اند»[۲۲]. ولی به‌نظر می‌رسد پیروان این مذهب همچنان به عقاید خود پای‌بند بوده‌اند و تا چند قرن بعد نیز منطقه رودبار و طارم پیروان اسماعیلیه را پذیرا بوده است. پیروان اسماعیلی، بعدها با آمدن *حسن صباح* در الموت، در طبرستان صاحب قدرت شدند.

مطلب سوم، اهدای کتاب اصلاح‌الحشائش خود در سال ۳۸۰ قمری به *امیر ابوعلی سیمجوری* حاکم قهستان است که ایشان به دعوت *ابوالقاسم حسن‌بن علی* دانشمند داعی اسماعیلی، این مذهب را پذیرفته بود[۳, ۲۳]. کنار هم گذاشتن این مطالب، احتمال اسماعیلی‌بودن *ناتلی* را زیاد می‌نماید و شاید بتوان مهر تاییدی بر این مطلب زد.

سخنان به‌جامانده از *ناتلی*:

ظهیرالدین بیهقی در کتاب تتمه صوان الحکمه خود (و ترجمه آن، کتاب دره الاخبار) سخنانی فلسفی از *ابوعبدالله ناتلی* آورده است که بیان آنها خالی از لطف نیست و نشان از مهارت ناتلی در فلسفه و الهیات دارد[۱۹]. از سخنان اوست:

۱- اذا اِشتَبَهُ علیکَ فَلا أمران تَدری فی أیما الصَواب فَأنظر أقرَبَهما الی هَواک فَإجتَنَبه (هر وقت که صواب در تو در دو امر مشتبه شود تأمل کن، هر کدام که به هوای نفس اقرب باشد از آن اجتناب کن)

۲- الحق یطلب لذاتِه و الخیر یطلب لِأجل العمل بِهِ (حق را از برای ذاتش طلب کن و خیر را از برای عمل بِدان باید خواست)

۳- العارف (العاقل) لایختارُ عرفان الحق علی الحق (عارف واقعی آنست که اختیار نکند عرفانِ حق را بر حق)[۱۲].

۴- علیکَ بالبَحث عن جوهرُ النفس الشریفه... و قالَ: النَفس القُدسیه لا تَنفع بالقیاس الجَدَلی و الخِطابی (بر تو باد به شناسایی جوهر نفس و عمل‌نمودن به مقتضیات آن...)

۵- لا تَدخر ما تَخاف فَقْدَهُ فَلا تبخه (یتخذ) شیئاً یَخاف لهُ فَقداً: (در چیزی که از فقدان آن می‌ترسی شروع (ذخیره) مکن)

۶- وَ من سَرهُ أن لا یَری ما یسؤهُ (و هر کس خوشحال است که نمی‌بیند چه اشتباهی انجام می‌دهد)[۲۴].

بحث

سرزمین طبرستان (مازندران فعلی) در شمال ایران در سده‌های نخستین هجری، مرکزی فعال در امور علمی در

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

حوزه‌های علم طب در جهان علم محسوب می‌شود[۱]. یکی از دانشمندان این سرزمین، حکیم *ابوعبدالله طبری ناتلی* که متاسفانه از سال تولد و زمان و مکان درگذشتش در هیچ کتاب مرجعی یادی نشده است، اما از قرائن پیداست که در اواسط نیمه اول سده چهارم هجری در شهر ناتل یا روستاهای اطراف آن متولد شده و مدتی هم در این ناحیه زیسته است. ولی اطلاعی نداریم که تا چه زمانی در طبرستان زیسته و نزد چه اساتیدی کسب دانش کرده و در چه تاریخی زادگاهش را ترک کرده است[۲].

این نکته که ناتلی در حدود سال ۳۸۰ هجری کتاب ارزشمند اصلاح‌الحشائش را برای *امیرعمادالدین ابوعلی محمد سیمجوری* (کشته در ۳۸۷ هجری)، سپهسالار معروف خراسان و امیر ناحیه قُهستان در اواخر حکومت سامانیان نگاشته و به امیر خراسان اهدا نموده است و همچنین در همین دوره آموزش *ابن سینا* را در بخارا برعهده داشته است، پیداست که *ناتلی* مدتی در شهرهای خراسان مثل نیشابور و بخارا زیسته و در این زمان در علم خود به مقام بالایی رسیده بوده، پس حداقل بیش از ۴۰ سال سن داشته است[۳].

در کتاب اصلاح‌الحشائش خود به اقامتش در شهر بصره در ناحیه بین‌النهرین اشاره کرده است؛ یعنی قبل از ۳۸۰ هجری در بین‌النهرین مدتی زیسته است. *ناتلی* در ذیل اسم گیاه ساوطان پس از یادکرد عبارت *اصطفن‌بن بسیل* (مترجم کتاب حشائش از یونانی به عربی) در مورد شهر بصره، بلافاصله این مطلب را در تایید گفته ایشان آورده است: «و قد رأیت أنا الحسین‌بن ابراهیم الطبری ذلک فی تلک الناحیه و ناحیه زاوطه علی طف البطیحه کما ذکر...»[۳].

مدت زمان اقامت *ناتلی* در بخارا مشخص نیست ولی بعد از فارغ‌شدن از آموزش اولیه ریاضی و منطق به *ابن سینا*، راه خوارزم (شهر گرگانج) را در پیش گرفته و به گفته برخی، به دربار *مأمون‌بن محمد خوارزمشاه* (۳۸۵-۳۸۷ هجری) مؤسس حکومت آل مأمون رفته است. بعد از این تاریخ متاسفانه از زندگی *ناتلی* آگاهی دیگری در دست نیست[۴]. در این پژوهش با بررسی جغرافیای ناتل در مازندران، آثار و تالیفات *ابوعبدالله ناتلی* و افکار و اندیشه‌هایش تا اندازه‌ای در روشن‌کردن زندگی علمی این حکیم گرانمایه و استاد فرزانه *ابن سینا* تلاش نمودیم.

نتیجه‌گیری

حکیم *ابوعبدالله طبری ناتلی* یکی از مشاهیر تاریخ پزشکی در ایران و جهان اسلام است که برای تکمیل دانش خویش به سفرهای علمی پرداخته و در تمام نقاط ایران و مراکز علمی چون نیشابور، بخارا، خوارزم، بصره و بغداد گذر نموده است. از این دانشمند گمنام با وجود تالیفات متعدد در حوزه‌های علمی مانند گیاه‌شناسی، فلسفه و ریاضیات، کمتر مورد توجه مورخان تاریخ علم قرار گرفته است که در این پژوهش علاوه بر شرح زندگانی و اعتقادات مذهبی و معرفی آثار و تالیفاتش نیز تا اندازه‌ای پرداختیم. آنچنان که بزرگ‌ترین خدمتش به ساحت جهان علم اصلاح ترجمه کتاب الحشائش فی الهیولی فی العلاج الطبی اثر طبیب و گیاه‌شناس یونانی سده یکم میلادی *دیسکوریدس (دیسقوریدس)* بوده که توسط *حنین‌بن اسحاق* و شاگردش *اصطفن‌بن بسیل* در سده سوم هجری از یونانی به عربی برگردانده شده بود و این اثر به‌عنوان معروف‌ترین اثر به‌جامانده از *ناتلی* در تاریخ باقی‌مانده است. امید است که پژوهندگان تاریخ علم و محققان طب ایرانی و مکمل آثار این حکیم نامی را مورد بررسی و پژوهش قرار داده و زوایای تاریک کشفیات ناتلی مورد بررسی عمیق‌تر قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

موردی گزارش نشده است.

تضاد منافع

موردی گزارش نشده است.

ملاحظات اخلاقی

موردی گزارش نشده است.

سهم نویسندگان

سیدعلیرضا گلشنی (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ حمیدرضا اسماعیلی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/نگارنده بحث (۵۰٪).

حمایت مالی

این مطالعه بدون حمایت مالی انجام شده است.

REFERENCES

1- Moallemee M, mehrabannejad A. The role of Tabarestan's scholars and scientific environment in transferring the knowledge of the Sassanid era to Islamic civilization. *Hist Islam Culture Civiliz*. 2013;**3**(9):61-90.
2- Safari-Aqqala A. The Tabari and Persian glossaries of spices in Islah al-Hashayish of Abu Abd Allah Natili. *Iran Nameh*. 2013;**28**(4):130-206. [Persian]
3- Tabari Natili AA. Manuscript of the book Al-Hashash. Netherlands: Leiden Library; 1082. [Arabic]
4- Abu 'Ubayd al-Juzjani. Avicenna's biography. (Nafisi S, translator). Tehran: Anjoman Dostdaran Ketab; 1952. [Persian]
5- Biruni A. Kitāb al-āthār al-bāqiyah `an al-qurūn al-khāliyah. (Danaseresht A, translator). Tehran: Amir-Kabir Publication; 2007. [Persian]
6- Biruni A. Kitab Al-Saydala fi Al-Tibb. (Mozaffarzadeh B, translator). Tehran: Academy of Persian Language and Literature; 2004. [Persian]
7- Safa Z. History of literature in Iran. Volume 1. Tehran: Ferdows Publications; 2000. [Persian]
8- Sarmadi MT, Pouyan N. Ibn Sina is the center of the world's medical works. Tehran: Sarmadi; 2013. [Persian]
9- Isa Beck A. Dictionary of Physicians (Mojam al-Atebba). Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2008. [Arabic[
10- Al-Qifti. Ta'rikh al-ukama. Darayee B, translator. Tehran: University of Tehran; 2016. [Persian]
11- Mohajerinezhad A, Karimian H, Saghaee S. The urban structure and chronology of the ancient city of Natel on the basis of historical texts and archaeological investigation, Northern Iran. *Pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*. 2017;**7**(12):245-59. [Persian]
12- Al-Shahrazuri Sh. Spirit walk and garden of delights concerning the life of ancient and modern philosophers (Nuzhat al arwâ wa rawat al-afrâ). Cairo: School of Religious Culture; 2009. [Arabic]
13- Nouri N. History of Mazandaran culture and literature.

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]

Tehran: Zohreh Publishing; 1999. [Persian]
14- Sezgin F. History of Arabic manuscripts. Volume 3. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. [Persian]
15- Bar Hebraeus G. Brief history of the countries (al-Mukhtaṣar fi-l-Duwal). Ayati AM, translator. Tehran: Scientific and cultural publications; 1998. [Persian]
16- Avicenna. Translation of the Resaleh Azhaveyeh of Avicenna (Tarjomeh Resaleh Azhaveyeh). Khedive-Jam H, editor. Tehran: Iran Culture Foundation Publications; 1971. [Persian]
17- Elgood CL. Medical history of Persia and the Eastern Caliphate. Forghani B, translator. Tehran: Amir-Kabir; 1977. [Persian]
18- Ibn Abi Usaybi'a. Sources of news on classes of physicians (Uyūn ul-Anbā fī abaqāt al-Aṭibbā). Volume 4. Amer Al-Najjar, editor. Cairo: Publication of the Egyptian public theology for the book; 2001. [Arabic]
19- Bayhaqi AH. History of the sages of Islam. Syria, Damascus: Matbaeh al-Targhi; 1946. [Arabic]
20- Zarrinkoob AH. History of the Iranian people. Volume 2. Tehran: Amir Kabir; 1988. [Persian]
21- Nelson Frye R. The Cambridge history of Iran (From the rise of Islam to the arrival of the Seljuks). Volume 4. Anousheh H, translator. Tehran: Amir-Kabir Publications; 1993. [Persian]
22- Al-Masudi AH. Meadows of gold and mines of gems (Murūj aḏ-Ḏahab wa-Maʿādin al-Jawhar). Volume 2. Payende A, translator. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1981. [Persian]
23- Forozani SA. Simjourian is the first powerful Turkish dynasty in Iran. Tehran: The Iel-e-Shahsavan Baghdadi; 2002. [Persian]
24- Bayhaqi AH. Darreh al-Akhbar va Lameh al-Anwar: Ttmah Swan al-Hikma. Monshi-Yazdi M, translator. Tehran: Hekmat; 1931. [Persian]

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-11-21]